

حقوق بشر امریکایی

روزنامه کیهان در یادداشت‌ها دیروز خود نوشت: اگر خواهیم با منطق تاریخ سخن بنگاریم، باید قدمت امریکای جدید را کمتر از عمر عمارت عالی‌قاپوی اصفهان بدانیم. امریکا، با منفرض کردن سه تمدن اصیل و بزرگی که صاحبان واقعی این قاره کهن بودند، متولد شد. تاریخ‌نویسته شده در قالب غربی‌ها دروغ و جعل بسیار دارد. مثل «جعل واژگان و مفاهیمی» که بتواند زمینه و توجیه ستم ظالمان باشد که یکی از آنها حقوق بشر امریکایی است. آنها که با ورودشان به امریکانسل آدم و حیوان بومی آنجا را در آوردند،اکنون مدافع حقوق بشری هستند که خود قصابی هستند. تفکر شور و مستکبری که در این ویژگیه از آن گفته می‌شود، همان است که سرزمین و مردم امریکا وواژگان مقدس را نیز به گروگان گرفته و اجازه بیان و حیات آزاد را از آنها گرفته است. مردم در بردگانی می‌خواهد که او را به خدایی بشناسند، و کرنه عاقبتی مثل مالکوم ایکس یا جورج فلوید یا مستر چو تیک تاک در انتظار آنهاست؛ یا با تیر می میرند یا با زانوی پلیس، خفه می‌شوند یا با قانون دو گانه در دادگاه نفتیش عقاید می‌پیچند.

اگر جملات و زرق و برق فریبنده و امواج سهمگین سمیات‌ها و رسانه‌های امریکا اجازه دهد، می‌توان چهره واقعی تفکر خطرناک امریکا را شناخت و به قضاوت نشست. تعداد جنگ‌ها و کودتاهایی که این کشور به نام آزادی و حقوق بشر در جهان به راه‌انداخته را با میزان تولید و فروش سلاح و مواد متنوع مخدر و تجارت سسک و محصولات پورن برای قتل‌عام فرهنگی جهانیان می‌توان بررسی کرد.و به ذات «لجن‌ساز» و «عفونت پراکن» تفکر حکومت امریکایی برد، ساده‌لوحانه‌تر از اینکه برخی ریشه دشمنی امریکا با ایران را در انقلاب اسلامی بدانند، شاید تفکری باشد که گمان کند با کنار آمدن و گفت‌وگو با شیطان بزرگ، می‌توان زندگی آسایش‌مندی را فراهم کرد و به رفاه و ثبات رسید.

زنگ خطر برای چه کسانی؟!

روزنامه وطن‌امروز در یادداشتی در نقد یکی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب نوشت: البته کولایی، نماینده مجلس ششم و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در واکنش به شورش اخیر گروه واگنر علیه حکومت روسیه مدعی شده است: «این شورش «زنگ خطر» برای تهران بود و به جمهوری اسلامی هشدار داد «کارت بازی روسیه» نشود. رویدادهای جاری می‌تواند زنگ خطر را برای تصمیم‌گیرندگان کشور - به صدا درآرد تا به الزام‌های برآمده از ژئوپلیتیک ایران تن دهند. در نقد اولیه مواضع خاتم کولویی همین بس که درست در زمان ذوق‌زدگی ایشان و همفکران‌شان در قبال طولایی مدت بودن بحران داخلی روسیه و تأثیر سلبی تحرکات واگنر بر توان نظامی روس‌ها در میدان نبرد او کران، «الکساندر لومکاشنکو» رئیس‌جمهور بلاروس مشغول مذاکرات پنهان با «یوگنی پرگوزین» رهبر گروه واگنر و توافق میان این گروه و کاخ کرملین بود، موضوعی که نشان می‌دهد صاحبزنان و ثورسین‌های حوزه سیاست خارجی جریان فتنه ۸۸ به اندازه‌ای محو تحولات مسکو و روسوفت شده‌بودند که حتی در محاسبات خود حساب‌ها بر توان واسطه‌گری متحدان پوتین در بزنگاه‌های حساس و سرنوشت‌ساز باز نکرند. نویسنده اضافه کرده است: خاتم کولویی حوادث اخیر روسیه را- البته ساعاتی قبل از آنکه اقدام اصلاح‌طلبان از وقایع روسیه نامید شود-ا زنگ خطری برای ایران دانست اما به نظر می‌رسد بهتر است تحلیل کولویی از وقایع جاری در روسیه و ابطال بسیاری از پیش‌فرض‌های میدانی، ابتدایی و حداقلی تحلیل وی را زنگ خطری برای دانشگاه تهران و شاگردانی تلقی کنیم که در کلاس‌های درس او هنر تعامل با دنیا و دیدلماسی می‌آموزند.

تاریخ اتقیا

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود-به بهانه هفتم تیر و سالروز شهادت کنتشر بهشتی و یارانش نوشت: تاریخی که مورخان و تاریخ‌شناسان تاکنون برای ما روایت کرده‌اند «تاریخ اشقیای» بوده است. از ریزش مؤمنانه و موحدانه و انسانی اتقیا یا کمتر سخن گفته شده یا سعی شده تاریخ انبیا و اولیای الهی به حاشیه رانده شود.

قیام تاریخی امام خمینی(ره) که ۱۵ خرداد۱۳۴۲ شروع شد و در اوایل بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رساند، مورخان جهان را مجبور کرد نگاه به تاریخ ایران را از اینکه یک پادشاه چند سال حکومت کرد، طول و عرض همسرایش چقدر بوده، ثروت و مکنک او چه اندازه است، دامنه وسعت حکمرانی او چه حدودی را نشان می‌دهد، دور کند و سبکی از حکمرانی وحیانی ا در تاریخ‌نویسی آغاز کند.
خرداد سال ۱۳۶۰ با اعلام جنگ مسلحانه منافقین هزاران نفر از مردم بی‌گناه ایران قفق به جرم اینکه حامی یک نظام الهی هستند، به خاک و خون کشیده شدند. تیرماه همین سال علما،دانشمندان و قفقهایی چون حضرات آیات بهشتی، باهنر و شهباز هم‌جواب مجرب به دست قتل‌چریز افراد کشور را عوض کردند و به ایران عزت و سرفرازی بخشیدند.» برای عرض از «اشقیانویسی تاریخ» و «تاریخ اشقیای» باید قلم را به دوات خون شهدا زد و تاریخ ایران و جهان را از نو نوشت.

مخمسه‌های بی‌پایان نتایهاو

روزنامه خراسان در یادداشتی به شرایط متزلزل حاکم رژیم صهیونیستی پرداخت و نوشت: نتایهاو فاقد توان بهره‌گیری از چالش‌های موجود در جهان شده است. پایه اصلی سیاست خارجی نتایهاو در این هفته‌ها، سرمایه‌گذاری روی تجدید روابط با اعراب بود. آمدن آلین کوهن یکی از افراد ذخیر در پیمان موسوم به ابراهیم به عنوان وزیر خارجه از همین رو مورد اشاره است اما در نهایت با عادی‌سازی روابط ایران و عربستان، وی ضربه سنگینی بابت شکست انتلافش علیه ایران دریافت کرد. در سطح دیگر وی نتوانست با بر جسته‌سازی مسئلهٔ ایران و همسو نبودن با پوتین در جنگ او کران، یابدن را با خود همسو کند.

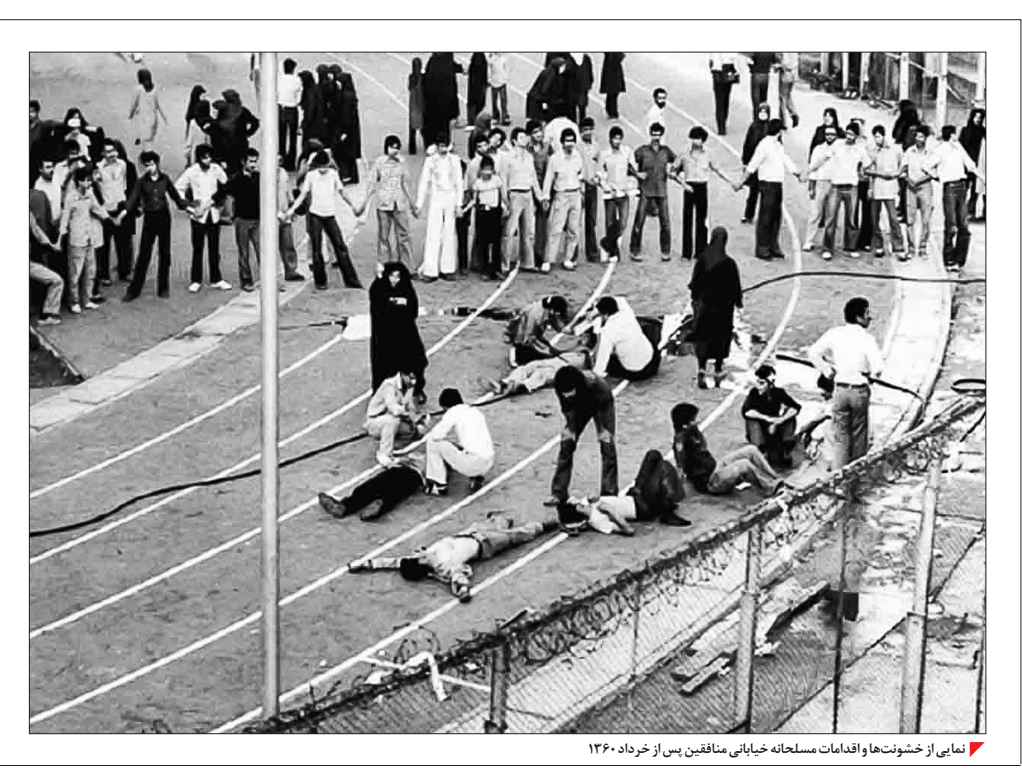
نویسنده اضافه کرده است: روند نزولی جایگاه نتایهاو و کابینه وی علل مختلفی دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این کابینه، حضور افراد با اعراب بود. آمدن آلین کوهن، افراط‌گراییی و نژادپرست بودن برخی از اعضای کابینه زمینه تشدید ناسامانی اجتماعی، سیاسی و همچنین شکنندگی این استنجام را فراهم کرده است. از طرفی، شرایط منطقه هم به نفع رژیم صهیونیستی نیست و افکار عمومی اعراب متعلقه نیز به دلیل جنایات ناشناکتره از مسجداالقصی و قدس، با گروه‌های مقاومت همسو شده‌اند که نمونه بارز آن در حمله سرباز شهید مصری به نظامیان صهیونیست مشاهده شد و زنگ خطر در مرزهای با مصر را برای نتایهاو به صدا درآورد.



گوازش

خرده‌روایت‌های یک نفوذ آرام

منافقین از تسویه‌های درونی خود شهیدسازی می‌کردند!



نمایی از خشونت‌ها و اقدامات مسلحانه خیابانی منافقین پس از خرداد ۱۳۶۰

صادق عبداللهی

پس از ضبط شدن تجهیزات الکترونیکی منافقین به دست پلیس آبیانی، نظرات زیر پیست‌های صفحه اینستاگرام بی‌بی‌سی در ۲۱د صدد و ایران اینتر نئشنال ۴۳د صدد کاهش یافت. همچنین در توییتز فارسی دو کلیدواژه «زن، زندگی، آزادی» و «مهسا امینی» دیگر در بخش پرسبج‌های داغ این شبکه خرد قرار ندارند. در برداشت اول به نظر می‌رسد چه سر نوشت سخنیقی است که آرامان میبازره برای خلق داشتند، حالا باید پشت‌صفحه‌نمایش‌نشینیندو پرسبج‌سازان کنند، اما این تمام ماجرا نیست، باید درنگ کرد و تمام ابعاد موضوع را در نظر آورد.

روایت‌سازی

گروهک منافقین در ساختن خرده‌روایت‌ها تجربه و مهارت زیادی داشته است. آنان در دوره حیات سیاسی خود توانستند با ساختن روایت‌ها، پروژه‌های مردم‌نمایی خود را پیش برند و به اهدافشان دست یابند. آنان از بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ این مسیر را چنان طی کردند که سرانجام در هفتم تیرماه همان سال، شهادت آیت‌الله بهشتی و یاران‌شان را رقم زدند. برای مثال پس از اینکه دانشگاه خلی و ۴۰۰زور دین ۱۳۵۹ در راستای انقلاب فرهنگی تعطیل شد، ساختمان‌های اصلی دانشگاه شیراز را در دست می‌گیرند و ماجراهایی رخ می‌دهد. روزنامه وابسته به این گروهک در این باره به عنوان اصلی «چه کسانی این خواهر را به گلوله بستند؟!» در عنوان «یک قربانی دیگر از انقلاب فرهنگی» که چمن‌آاران و افراد مسلح برچسمدار آن بودند، می‌نویسد: «تشنجات خواهد داشتند شیراز مجروحان بسیاری بر جای گذاشت که حال یکی از آنها وحیم است. در صبح روز شنبه در گرماگرم در گیری‌های دانشگاه، افراد مسلح و چماق به دست‌ان و زنجیر کشتان، با تهاجمات گسترده بر وخامت اوضاع می‌افزایند. در گیری به اوج می‌رسد و تعداد زیادی زخمی می‌شوند.»

روایت شاهد عینی رخدادهای دهه ۶۰
کتاب «خدا از من دفاع خواهد کرد» یکی مستندنگاری به قلم سید محمد هاشم پوریزدان پرست است. او در دوره دانشجویی خود از فعالان انجمن اسلامی دانشگاه جویان و نشر کتاب ار اجاعت دقیقی اسلامی شرکت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شرکت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از نخستین روزهای تأسیس، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی شد و با تسو اخیر لانه جاسوسی به دانشجوهای ایران و نیز سایر پیوست. یزدان پرست یکی از شاهدان عینی رخدادهای سال‌های اول انقلاب است که این اثر او را می‌توان در آثار تاریخ شفاهی طبقه‌بندی کرد، هر چند در نگارش کتاب ار اجاعت دقیقی به روزنامه‌های وقت، صحیفه حضرت امام(ره) و همچنین برخی کتاب‌های مرتبط می‌دهد. به هر روی «خدا از من دفاع خواهد کرد» توالی تاریخی خرده‌روایت‌های مساجدین ایران را بهمین ۱۳۵۷تا تیر ۱۳۶۰ و به شهادت رسیدن آیت‌الله بهشتی به تصویر می‌کشد.

اهمیت تشکیلات‌سازی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید بهشتی در حوزه فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی، تشکیلات‌سازی بود تا آنجا که رادیو بی‌بی‌سی علت ترور ایشان را در مفهوم «گانیزاتور بزرگ» شرح می‌دهد. شهید بهشتی در نژادپرست بودن برخی از اعضای کابینه به مفهوم «گانیزاتور بزرگ» می‌گوید: «به هر حال بعد از کودتای ۲۸ مرداد در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیدیم که در آن نهضت، مادر کارهای ساخته‌شده کم داشتیم… بنابراین تصمیم‌گیری یک حرکت فرهنگی بود. ایجاد کنیم و زیر پوشش آن کادر بسازیم و تصمیم گرفتیم این حرکت اصیل اسلامی و پیشرفته باشد و زمینه‌ای برای ساخت جوان‌ها

گردد.» با نقل این عبارات -به وجه دیگری از فعالیت‌های منافقین توجه داده می‌شود: عدم به‌کمال‌رسیدن تشکیلات در میان نیروهای انقلابی و توان بالای تشکیلات‌سازی منافقین، راه‌های نفوذ را باز کرد.
گام‌های آغاز یابی گریز و نفوذ منافقین
۳۰دی ۱۳۵۷ مسعود رجوی با آخرین دسته زندانیان سیاسی آزاد می‌شود و با تعدادی از افراد باقی مانده سازمان، به سازماندهی مجدد و جذب نیروی ذیل عنوان «جنبش ملی مجاهدین» اقدام می‌کنند. آنان خود را ریسرو رهبران اولیه سازمان، همچنین پیرو اسامی نساب و اصیل توحیدی معرفی می‌کنند. از سوی دیگر «بخش مارکیست–لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران» در هماهنگی با آنان تحت عنوان «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» به فعالیت می‌پردازد.

اول اسفند ۱۳۵۷ یادگان تپ سیم لشکر ۴۴اتش در مهیاد توسط افراد مسلحی متشکل از تمامی عناصر ضدانقلاب اسلامی محاصره و بدون شلیک حتی یک گلوله داخل پاکان تفکرمی‌شود. در همین روز سازمان چریک‌های فدایی خلق با صدور اطلاعیه‌ای، طرفداران خود را دعوت به راهپیمایی به سمت منزل امام(ره) در روز سوم اسفند می‌کند: «از تمام کسانی که به وحدت و همبستگی خلق و تشکیل ارتش و تشکیل شوراهای انقلابی معتقدند و از اقدامات برحق امام خمینی پشتیبانی می‌نمایند و از همه آتانی که نگران برپادرفتن خون شهیدان و از دست رفتن دستاوردهای انقلاب هستند، دعوت می‌کنیم در یک راهپیمایی به سمت خانه امام شرکت نمایند.»

دوم اسفند ۱۳۵۷ حضرت امام خمینی(ره) در واکنش به فرارخان این گروهک می‌فرمایند: «این برپاداران گان، افراد مسلمان نیستند و با مکتب اعتقادی اسلام در ستیزند. عموم طبقات مردم با آنها همکاری نمی‌نمایند. اگر چه ممکن است عسک‌های این جبهک را دیگر رهبران مذهبی را حمل نمایند… من به این فرصت‌طلبان اجازه ورود به منزل را نمی‌دهم.»

پنجم اسفند ۱۳۵۷ گروهمایی سازمان چریک‌های فدایی خلق و هواداران‌شان در زمین چمن دانشگاه تهران بر گزار می‌شود. در اطراف زمین چمن تصاویر اسام(ره) دیده می‌شود و در پایان قسطنامه‌ای صادر می‌کنند: «ما تیروها، افراد را بر اساس مواضعی که در برابر امپریالیسم می‌گیرند، دآوری می‌کنیم و تنها همین اعتقاد است که سا را وامی‌دارد مبارزت پیگیری و حق طلبانه روحانیت مترقی به رهبری امام خمینی و آیت‌الله طالقانی را گرمی داریم و به همه نیروهای انقلابی و مبارز ارج نمی‌هیم.» واکنش رهبران سازمان منافقین به این گروهمایی و طنین شعارهای «سلام بر مجاهد و درود بر فدایی» و «تجداد، اتحاد، ضرورت انقلاب» مسیری را به ای گل آلود باز می‌کند که بسیاری از افراد سر درگم و بسیاری از جوانان جذب این گروهک‌ها شدند.

نشانه‌های یک انحراف آشکار می‌شود

ششم اسفند ۱۳۵۷ مسجد دانشگاه تهران شاهد تجمع طرفداران سازمان مجاهدین خلق است. مسعود رجوی مطالبی را ذیل این عناوین مطرح می‌کند: مبارزه با امپریالیسم، انحلال ارتش ضد خلقی، ادعای وجود تصفیقات برای نیروهای انقلابی، تجلیل از امام(ره) در ظاهر و حمله به راه علت ترور ایشان را در مفهوم «گانیزاتور بزرگ» شرح می‌دهد. شهید بهشتی در زندگی‌نامه خود می‌گوید: «به هر حال بعد از کودتای ۲۸ مرداد در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیدیم که در آن نهضت، مادر کارهای ساخته‌شده کم داشتیم… بنابراین تصمیم‌گیری یک حرکت فرهنگی بود. ایجاد کنیم و زیر پوشش آن کادر بسازیم و تصمیم گرفتیم این حرکت اصیل اسلامی و پیشرفته باشد و زمینه‌ای برای ساخت جوان‌ها

یادداشت ویژه ماه

سنگربندی کردند. در این میان آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب – امام جمعه وقت شیراز – به دلیل استفاده‌کردن از نیروهای نظامی همچنین اسلحه، از مردم شیراز در خواست کرد به سوی دانشگاه حرکت کنند و دانشگاه را از تصرف منافقین بیرون بیاورند. در بی این اطلاعیه مردم از سراسر شهر به سمت دانشگاه حرکت کردند. منافقین نیز بر اساس برنامه پیش طراحی‌شده، آماده بودند و مقدار زیادی سنگ و آجر به پشت‌پام برده بودند و دیوارهای نسبتاً بلند بر سر مردم ریختند و آنان را به‌شدت مجروح کردند، اما سرانجام مردم دانشگاه را از دست منافقین بیرون کشیدند. در این بین طرفداران منافقین مجروح و به بیمارستان منتقل شد، با وجود اینکه جراحات عمیقی نداشت به ناگهان فوت کرد. فدرای آن روز سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد با گلوله‌های چماقداران از دنیا رفته است و قتل او بر گردن انقلاب اسلامی، امام(ره)، آیت‌الله دستغیب و مردم حزب‌اللهی است. نشریه «مجاهد» شروع به مظلوم‌نمایی و بزرگ‌نمایی این رخداد در سراسر کشور کرد. از تسرین رستمی یک‌قهرمان مجاهد ساختند و عکس او را در اندازه‌های بزرگ چاپ کردند و به دست دختران نوجوان سازمان دادند و او را به عنوان «قهرمان مبارزه با زنجاع» و «ختر سال» و نیز «مجاهد شهید» برگزیدند. در سیل بمباران این روایت‌سازی، اصل مطلب که اشغال دانشگاه شیراز و جنایت در حق مردم پیرو امام(ره)، بوده فراموش شد و سرانجام دختری ۱۷ساله آیت‌الله دستغیب را به شهادت رساند.

امجدیه و حرکت به سوی محمله مسلحانه

سخنرانی مسعود رجوی در روزشگاه امجدیه در ۲۲ خرداد ۱۳۵۸، ۱۵ماه پس از واقعه طیس و در همان استادیوم که قرار بود پالگردهای امریکایی برای فرار گروگان‌های لانه جاسوسی فرود بیایند و همچنین حین برنامه‌ریزی برای کودتای نوزده و هزمن‌ان بابازی کودتای دکتر حسن آیت و حزب مجهرتی اسلامی علیه رئیس‌جمهور برگزار شد. در این پرس‌گدهمایی باز هم سازمان مجاهدین خلق با روایت‌سازی و تغییر در مفاهیم، آنچنان مظلوم‌نمایی کرد که با وجود اعلان جنگ علیه امام(ره) و انقلاب اسلامی، ۲۰نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی، حمله به اجتماع امجدیه را محکوم کردند و خواستار مجازات و به کیفر رسیدن عثمان آن شدند، در حالی که حمله‌ای به‌امجدیه نشده بود. رجوی در دهه ۸۰ مذیل بیان درس‌های تاریخی خود با عنوان «استراتژی قیام بر نگوینی» از واکنش امام(ره) به ماجرای امجدیه یادداشت: «تشنجین انقلاب اسلامی است و چنانچه این تفظه را دیگر از تجاع امام و انقلاب اسلامی آ باید بسطاشن را کلاً جمع می‌کرد و از جلوی راه می‌کشید یا باید جنگ غیررسمی را که یک سال قبل با صدای خودش در نوارهای کاست اعلام و توزیع کرده بود، اکنون علنی و آشکار می‌کرد.»

پس از اتمام کاش به‌ماجرای امجدیه، سازمان مجاهدین خلق، دفتر‌ها و نشر به‌های‌شان را تعطیل کرد و به شکلی گسترده به جذب‌کردن سنوانان و جوانان اقدام کردند، همچنین روایت‌سازی شکنجه‌شدن زندانیان را فریاد زنده و فضای کشور را در این باره منتشر کردند. به این ترتیب نیمه دوم سال۱۳۵۹ زمانی بود رخدادهای بعدی و به ویژه خرداد ۱۳۶۰ کامل کنند. سرانجام خرداد و البته تیرماه ۱۳۶۰ رسید یک گارد مردمی هستیم، اما میاداد تجاری که در یکی از کشورهای عرب همسایه‌ها داریم در اینجا تکرار خود.»

در این نطق ناظر به شهیدنمایی طلوع‌شریفی، سازمان مجاهدین تا مخالفت با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خلع سلاح کردن ارتش پیش می‌رود. همچنین آنان مفاهیم انقلاب اسلامی و انقلابی بودن را نیز مصادره به‌مطلوب کردند. اساساً جعل و تحریف مفاهیم یکی از شگردهای منافقان بود تا جایی که هنوز آثار این موضوع در جامعه ما قابل مشاهده است.

خرده‌روایت «دختر سال»

در پی «انقلاب فرهنگی» دست‌سازمان مجاهدین خلق از تحرات دانشگاهی کوتاه می‌شد. شهیدی که در پیش‌گرفتن‌دشغال‌کردن دانشگاه شیراز بود. آنان ساختمان‌های اصلی دانشگاه را اشغال و بر بالای ساختمان‌هایش

منافقین در دوره حیات سیاسی خود توانستند با ساختن روایت‌ها، پروژه‌های مردم‌نمایی خود را پیش برند و به اهدافشان دست یابند. آنان از بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ این مسیر را چنان طی کردند که سرانجام در هفتم تیرماه همان سال، شهادت آیت‌الله بهشتی و یاران‌شان را رقم زدند

درد

منافقین در دوره حیات سیاسی خود توانستند با ساختن روایت‌ها، پروژه‌های مردم‌نمایی خود را پیش برند و به اهدافشان دست یابند. آنان از بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ این مسیر را چنان طی کردند که سرانجام در هفتم تیرماه همان سال، شهادت آیت‌الله بهشتی و یاران‌شان را رقم زنده

یادداشت ویژه ماه

علی سیفیور

عزت و غرور ملی به سبک پهلوی‌ها!

مستندات غیرقابل انکار از دوران سلطنت پهلوی به ویژه در کتاب‌های خاطرات نزدیک‌ترین افراد به محمدرضا پهلوی و در یاریان و نیز نوشته‌های مورخان و تاریخ‌نگاران خارجی که هیچ وابستگی‌ای به انقلاب اسلامی ندارند و چه بسا از مخالفان جمهوری اسلامی نیز هستند، به جز معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در آن دوران، حاکی از اطاعت محض و وابستگی حقارت‌آمیز خاندان پهلوی به غرب است، به گونه‌ای که اطاعت بی‌چون و چرای پهلوی اول و دوم موجب از بین رفتن عزت نفس آنان شد و بارها و بارها از سوی نمایندگان، مقامات انگلیس و امریکا که شدت تحقیر شدند در ادامه و به اختصار به چند نمونه اشاره می‌شود.

تحقیر رضا شاه و تبعید

رضا شاه که بدون کوچک‌ترین اعتراض و مقاومتی تن به تبعید و خروج از کشور داده بود، در صبح ۲۵شهریور ۱۳۲۰ از تهران به سمت اصفهان حرکت کرد تا بعد از توقف در اصفهان به کرمان و بندرعباس برود و از آنجا با کشتی به هند منتقل شود. در این پروسه، سه‌بار به شدت تحقیر شد: بار اول، هنگامی که او ادر اصفهان تگه داشتند و از وی خواستند املاک خود را که منشأ بخشی از نارضایتی‌ها شده بود، مصالحه کند. قوام‌الملک شیرازی د دکتر محمد سجادی به اصفهان رفتند و املاک به نام محمدرضا شد. شاه جوان البته اندک زمانی بعد املاک را به اموال عمومی بازگرداند، چون می‌دانست هم در روز واقعه به کارش نمی‌آیند و هم او را ادامه‌دهنده راه پدر در تملک املاک نشان می‌دهند.

۱۲سال بعد هم که از کشور گریخت، نتوانست مال چندانی با خودش ببرد و معلوم است که طی ۱۲سال اول که هنوز دیکتاتور نشده بود، مالی نیندوخت و ثروت‌اندوزی او مربوط به بعد از کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲ است.

در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ هم بانک عمران مأموریت یافت بخش باقی مانده املاک نیز به زارغان بازگردانده شود. تحقیر دوم هنگامی بود که چمدان‌های او را نفتیش کردند تا میادا جواهرات سلطنتی را با خود برده باشد و شایعاتی درباره محتوای آنها در گرفت. چهره‌اش گواهی می‌داد که حتی در ایام تنگدستی جوانی و قزاقی، هیچ‌گاه تا این حد احساس تحقیر نکرده بود.

تحقیر سومی هم هنگامی بود که در یافت‌قرار نیست به هند برود. هند و آفریقای جنوبی هر دو مستعمره بریتانیا بودند و او را به جای هند به جزیره مورسی بر برد. نهایت کاری که پادشاه ایران بعدها توانست انجام دهد، انتقال پدر به ژوهانسبورگ بود. او نه تنها توانست او را به کشور باز گرداند، بلکه انتقال پیکر بی‌جان او هم سال‌ها بعد انجام پذیرفت.^(۱)

رود سگ و ایرانی ممنوع!

هویدا در یک برنامه تلویزیونی در سال ۱۳۵۳ به ذکر خاطره‌ای از اهانت انگلیسی‌ها به ملت ایران پرداخت و گفت: «در امرای باشگاه رأه آهن، باشگاه انگلیسی‌ها بود. هیچ وقت تفراموش نمی‌کنم. بر سر آن باشگاه، یک طرف نوشته بود: «رود برای سگ قدغن» و در طرف دیگر نوشته بود: «رود برای ایرانی قدغن» ما با سگ هم رفیق بودیم.»

تعیین نخست‌وزیر شاه توسط امریکا

فریدون هویدا، سفیر و نماینده دائم رژیم شاه در سازمان ملل متحد در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «موقع ورود شاه به امریکا در نوامبر ۱۹۷۷، سرپرستار مجله نیویوریک با وی مصاحبه‌ای ترتیب داد و طی آن شاه در این باره، «دولت ایران در پیوند با عمل اعلام زبندت‌کنندگی در سال ۱۹۶۱ پرداخت مبلغ ۳۵میلیون دلار کمک امریکا به ایران را منوط به انتصاب دکتر علی امینی به نخست‌وزیری کرده بود. آیا شما این ادعای دولت را تأیید می‌کنید؟» شاه پاسخ داد: «این البته یک مسئله کینه‌است، ولی حقیقت دارد!»^(۲)

رادبو آلمان گوش بدهی، پادشاهی پترا!

ارتشید فرموسنت در خاطراتش می‌نویسد: «در دو هفته آخر سلطنت رضاخان، من در گریز مسائلی بودم که در تعیین سر نوشت بعدی حکومت پهلوی پیوند داشت. تندیتم می‌شد که من به ولیعهد و دوستی منحصر به‌فرد او با من عاملی بود که سبب شد در این عهده‌دار شوم… بعد از ظهر یکی از روزهای نیم با دهم شهریور ولیعهد من به گفت «همین امروز به سفارت نیندیشم تا مرا چه کن. در آنجا فردی است به نام «ترات» که رئیس اطلاعات انگلیس در ایران و نفر دوم سفارت است. او در جریان است و درباره وضع من با او صحبت کن.»

محمدرضا صرار داشت همین امروز این کار را انجام دهم. من به سفارت انگلیس رفتم. به «ترات» گفتم ولیعهد مرا فرستاده بپرسم که وضع او چه خواهد شد و کلیکفش چیست؟ «ترات» مقداری می‌حدب کرد و از ناراحتی‌اش از اینکه محمدرضا به رادیو آلمان گوش می‌دهد رادیو نیز به انگه از روی نقشه‌های جنگ جهانی، پیشرفت‌های آلمان را دنبال می‌کند و…! من گفتم مطالبی را که فرمودید به محمدرضا منتسک می‌کنم…! من به سعدآباد برگشتم و جریان را به محمدرضا گفتم. او شدیداً خا خود و تعجب کرد که از کجا می‌داند که من به رادیو گوش می‌دهم یا نقشه دارم و…! من گفتم: شما به این کاری نداشته باش… محمدرضا گفت: فردا اول وقت با ترات تماس بگیر و او قرار ملاقات بگذار و بگو که با محمدرضا صحبت کردم و گفت که نقشه را از بین می‌برم و رادیو هم دیگر گوش نمی‌کنم، مگر رادیوهایی که خودتان اجازه دهند…»^(۳)

ماجرای تحقیر شاه و فرح توسط کندی و همسرش

«در فروردین ماه سال ۱۳۴۱ هـ.ش شاه به همراه همسرش فرح برای دیدار با جسان افت‌کندی به امریکا رفتند. این سفر یکی از مهم‌ترین سفرهای دوران سلطنت محمدرضا پهلوی به امریکا بود. در جریان این سفر و در یک ضیافت شام، شاه یکسری جواهرات قوی‌العاده نفیس و منحصربه‌فرد در دنیا را به واکلین کندی، همسر رئیس‌جمهور وقت امریکا هدیه داد. این جواهرات بی‌ظنیر متعلق به همسر «ریچارد شریدل» بودند که محمدرضا پهلوی آن را از یک جواهرفروشی در لندن به مبلغ ۲میلیون پوند خریداری کرده بود. واکلین به شدت تحت تأثیر این هدیه بی‌ظنیر و گران‌قیمت محمدرضا گرفتار افت. اما در برابر این هدیه بزرگ شاه، کندی یک تابلوی نقاشی آبرنگ که فرح داد و گفت: «این نقاشی از کارهای خود او در زمان تحصیل در کالج بوده است» واکلین هم یک کراوات رنگ و رو رفته و کهنه را به محمدرضا هدیه‌داد و ادعا کرد این کراوات متعلق به جرج واشنگتن بوده است! هدایای رئیس‌جمهور امریکا و همسرش به شاه و فرح، حتی یک دلار هم ارزش نداشتند! موقعی که فرح به محل اقامت‌شان برگشتند، فرح در حضور محمدرضا فحش زد یکی به کندی و همسرش داد و گفت: «پنجاه میهمان خارجی که کراوات مستعمل می‌دهند و ادعا می‌کنند متعلق به جورج واشنگتن یا ابراهام لینکلن بوده است.»^(۴)

پی‌نوشت‌ها:

۱. https://www.asrIran.com/fa/news/858233

2. https://www.pin/34127635

۳. هویدا، فریدون، سقوط شاه ۵۳.

۴. فردوست، حسین، خاطرات، ج یک، ص ۱۰۰.

۵. دبیا، فریده، خاطرات، ص ۱۵۸.

https://www.yjc.ir/fa/news/7658526